



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (حواله)

احكام و مفاهيم

جلسه ۴

استاد وافی

مسأله: اگر دو محال علیه وجود داشته باشد، بدین معنی که علی به محمد صد تومان بدهکار است و علی هم از زید و عمرو مجموعاً صد تومان طلبکار است، در این صورت علی، محمد را به زید و عمرو حواله می دهد تا از آن دو طلبش را که مجموعاً صد تومان است بگیرد؛ این صورت از حواله صحیح است.

نکته: هر یک از محال علیه (زید و عمرو) ضامن یکدیگر اند.

اشکال شیخ طوسی: این کار إرفاق زیادی در حق محتال می باشد، زیرا محتال با یک نفر طرف بود اما حالا محتال می تواند به هر یک از زید و عمرو مراجعه کند و حق خود را بگیرد.

جواب: هر یک از زید و عمرو وقتی ضامن یکدیگر اند، از بدهی خودشان بری می شوند، لذا محتال نمی تواند تمام طلب خود را از زید یا عمرو بگیرد. در این موضع ضَمُّ ذَمِّهٖ پیش نمی آید و اشکال وارد نیست و در مذهب شیعه، مال از ذمه مضمون عنه (بدهکار) به ذمه ضامن منتقل می شود.

مسأله: اگر محال علیه دین اش را به محتال ادا کند؛ با این فرض که: علی از محمد، صد تومان طلب دارد، اما محمد او را به زید حواله می دهد و زید بر طبق حواله، صد تومن را به علی پرداخت می کند ولی محمد بدهکاری اش را انکار می کند، در این صورت اصل بر عدم بدهکاری است و حق با منکر است اما ظاهر در حواله، محمد بدهکار است. در تعارض بین اصل و ظاهر، ابتدا اصل ترجیح داده می شود و محال علیه بر عدم بدهکاری باید قسم بخورد و حق دارد آن مقدار از دین را که پرداخت نموده از محیل مطالبه کند.

نکته: در این صورت فرقی بین لفظ حواله و ضمان نیست.